



لشکر ۳۳ المهدی (ع) در عملیات کربلای ۴

سردار سرتیپ محمدجعفر اسدی و تیم همراه

تنظیم: امیرمحمد حکمتیان*

<p>در عملیات کربلای ۴ تیپ ۳۳ المهدی (ع) به‌عنوان یکی از یگان‌های اصلی قرارگاه نوح پس از آغاز عملیات، توانست با عبور از رودخانه اروند در مقابل جزیره مینو، خط دشمن را بشکند اما در ادامه علی‌رغم پیشروی در ساحل غربی اروندرود با حضور چشمگیر نیروهای دشمن مواجه شد. با توجه به اهمیت نقش این یگان، سردار جعفر اسدی فرمانده لشکر ۳۳ المهدی (ع) به‌همراه چند تن از فرماندهان این لشکر در دومین دوره اردوی انتقال فرهنگ و تجارب دفاع مقدس در بین دانشجویان دوره دافوس دانشگاه امام حسین (ع) در روز چهارشنبه ۱۳۹۵/۰۲/۸ ساعت ۶:۰۰ در یادمان شهدای هویزه به تشریح عملکرد لشکر ۳۳ المهدی (ع) در عملیات کربلای ۴ و ۵ پرداختند.</p> <p>واژگان کلیدی: محمدجعفر اسدی، تیپ ۳۳ المهدی (ع)، انتقال تجارب فرماندهان، دفاع مقدس، دانشگاه امام حسین (ع).</p>	چکیده		

تقریباً همه مناطق خشک شد. در اول برج هفت ۱۳۵۹ صدام تهاجم را آغاز کرد. عراقی‌ها ۵ استان ما را درگیر و شهرهایی از کشور ما را اشغال کردند. با عملیات خیلی سریع و حساب‌شده جلو آمدند. در بعضی جاها مثل خرمشهر، پل نادری، حمیدیه و سوسنگرد، مقاومت مردمی شکل گرفت و عراق متوقف شد. در سال اول دفاع مقدس یا روزهای اول جنگ، اصلاً ما را در جنگ راه نمی‌دادند. بنی‌صدر می‌گفت جنگ یک کار تخصصی است، بسیاری از

تحلیلی از روند جنگ تحمیلی
 سردار اسدی فرمانده لشکر ۳۳ المهدی (ع) در ابتدا به‌اختصار درباره شروع جنگ تحمیلی مطالبی را بیان و در این باره اظهار کرد: «ما دنبال جنگ نبودیم؛ ما دنبال این بودیم که انقلابمان را به دنیا معرفی کنیم. صدام نوکر سرسپرده غرب، جنگ را علیه ایران آغاز کرد. در سال ۱۳۵۸ سیلی در خوزستان آمد که آب‌گرفتگی زیادی ایجاد کرد و قابلیت مانور زرهی را نداشت. در برج ۶ سال ۱۳۵۹

* کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال پانزدهم □ شماره پنجاه و هشتم □ زمستان ۱۳۹۵ و بهار ۱۳۹۶



سردار محمدجعفر اسدی فرمانده لشکر ۳۳ المهدی (عج) در دوران دفاع مقدس، یادمان شهدای هویزه، اردیبهشت ۱۳۹۵.

مقدمه عملیات کربلای ۵ بود، چند ماه زحمت کشیده شد. باید عبور از اروند انجام می‌شد. از آن عبور کرد. این رودخانه ۴ حرکت دارد و جزرومد هر پلی را از بین می‌برد و هر لشکری که از یک رودخانه عبور می‌کند طبق قاعده نظامی باید چهار تا پل داشته باشد تا لشکر را تدارک و رفت‌وآمد را برقرار بکند، پس این رودخانه غیرقابل عبور است. حالا بچه‌ها، شناسایی‌های عملیات کربلای ۴ را انجام داده‌اند و برای کار مهندسی پیش‌بینی شده بود بچه‌های ما یک سرپل در جنوب بصره بگیرند. حتی قرار بود از زیر اروند تونلی زده شود. سرمایه‌گذاری زیادی شد شناورهای مختلفی در اختیار یگان‌ها قرار گرفت که توانستیم از این رودخانه عبور کنیم. یک قرارگاه به نام نوح تشکیل شد و ۲ گردان به فرماندهی حاج داود ملکوتی و شهید مرتضی جاویدی از رودخانه عبور کردند و به عمق رفتند. وقتی من به آقای حسین علایی فرمانده قرارگاه نوح، گفتم بچه‌ها به جاده دوم تدریس می‌شود.

از لحاظ نظامی، اروند غیرقابل عبور است و نمی‌توان از آن عبور کرد. این رودخانه ۴ حرکت دارد و جزرومد هر پلی را از بین می‌برد و هر لشکری که از یک رودخانه عبور می‌کند طبق قاعده نظامی باید چهار تا پل داشته باشد تا لشکر را تدارک و رفت‌وآمد را برقرار بکند، پس این رودخانه غیرقابل عبور است. حالا بچه‌ها، شناسایی‌های عملیات کربلای ۴ را انجام داده‌اند و برای کار مهندسی پیش‌بینی شده بود بچه‌های ما یک سرپل در جنوب بصره بگیرند. حتی قرار بود از زیر اروند تونلی زده شود. سرمایه‌گذاری زیادی شد شناورهای مختلفی در اختیار یگان‌ها قرار گرفت که توانستیم از این رودخانه عبور کنیم. یک قرارگاه به نام نوح تشکیل شد و ۲ گردان به فرماندهی حاج داود ملکوتی و شهید مرتضی جاویدی از رودخانه عبور کردند و به عمق رفتند. وقتی من به آقای حسین علایی فرمانده قرارگاه نوح، گفتم بچه‌ها به جاده دوم

رسیدند باور نمی‌کرد که نیروهای لشکر ۳۳ از اروند عبور کرده باشد. سمت چپ ما لشکر ۷ ولی عصر (عج) بود که آنها هم عبور کردند. ۲ یگان هم در سمت راست، عملیات فریب را در منطقه شلمچه داشتند. دو یگان ۱۹ فجر و ۵۷ ابوالفضل^(ع) کار به رودخانه اروند نداشتند و می‌خواستند تک فریب را در آب‌گرفتگی پنج‌ضلعی انجام دهند که موفق شدند. یعنی به‌طور کلی هم جناح راست و هم جناح چپ هر دو موفق شدند و جایی که هیچ‌کس فکر نمی‌کرد یگان‌ها عبور کنند اینها عبور کردند و رفتند جلو و تا صبح پیشروی ادامه داشت. هنگام نماز صبح از قرارگاه دستور عقب‌نشینی صادر شد؛ چون در جزیره ام‌الرصاص تلفات زیادی دادیم و موفق به عبور نشدیم. محور اصلی کربلای ۴ همین جزیره ام‌الرصاص بود. مجبور به عقب‌نشینی شدیم، ولی حین عقب‌نشینی تعداد زیادی از بچه‌ها یا تیر خوردند یا شهید شدند. صبح من خیلی نگران و ناراحت بودم، سوار ماشین شدم و تنهایی به سمت قرارگاه [مرکزی] راه افتادم. حالا خدا از سر تقصیرات ما بگذرد؛ پیش خودم گفتم پیش آقا محسن [رضایی] بروم و هر چه از دهانم دربیاید به ایشان بگویم، دو ساعت زودتر به من اطلاع می‌دادید

که این بچه‌های مردم را عقب بیاورم. همین که خواستم وارد قرارگاه بشوم دیدم آقای محسن رضایی دارد با تلفن صحبت می‌کند، یک مقدار که صبر کردم متوجه شدم با سید احمد آقای خمینی دارد صحبت می‌کند و دست آقا محسن می‌لرزد. به خودم گفتم تو یک لشکر داری این قدر فشار روی توست و همه لشکرهایی که دیشب عملیات کردند فشارش روی این مرد است. چند لحظه‌ای ایستادم و برگشتم. با آقا محسن تماس گرفتم و گفتم با همه موضوعاتی که پیش آمده، ما صد درصد آماده‌ایم هر لحظه و هر جور شما خواستید، عملیات کنیم. ایشان حداقل ده دقیقه توی تلفن به من می‌گفت به فاطمه زهرا^(س)، به ما ظلم شده به اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) ظلم شده؛ ما باید جبران کنیم.

آقای رضایی می‌گفت به خون این شهدا، ما باید جبران کنیم و دستورات بعدی عملیات را داد. آن پیروزی لشکر ۵۷ و ۱۹ در پنج‌ضلعی شلمچه راهگشای عملیات کربلای ۵ شد. وقتی دیدیم این مسیر قابل عبور بوده و یگان‌های این قرارگاه عبور کردند، همه یگان‌ها در عملیات کربلای ۵ در منطقه پنج‌ضلعی متمرکز شدند. ما (لشکر ۳۳ المهدی (عج)) آمدم بین ۱۸ الغدیر و ۲۵ کربلا یک خط گرفتیم. این یگان‌ها به سرعت آمدند توی منطقه کارهای آماده‌سازی را انجام بدهند و سرمای هوا به‌گونه‌ای بود که دست ما یخ می‌زد، خدا شهید خلیل مطهرنیا را رحمت کند، می‌گفت من خودم باید بروم دستم به خاکریز دشمن بخورد، تا بچه‌ها را به خط ببرم. اجازه دادیم با بچه‌های اطلاعات بروند. به ایشان عرض کردم فقط ارتباط را با من قطع نکن. یک ده دقیقه ارتباط داشت بعد ارتباط تا صبح قطع شد. تا صبح ما دلهره

سردار اسدی:

صبح روز چهارم دی ماه من خیلی نگران و ناراحت بودم، تنهایی به سمت قرارگاه [مرکزی] راه افتادم. پیش خودم گفتم پیش آقا محسن [رضایی] بروم و هر چه از دهانم دربیاید به ایشان بگویم. دیدم آقای محسن رضایی دارد تلفنی با سید احمد آقای خمینی صحبت می‌کند؛ متوجه شدم دست آقا محسن می‌لرزد.



از راست: مهندس کاظم حقیقت مسئول اطلاعات لشکر ۳۳ المهدی^(ع)، سردار محمدجعفر اسدی فرمانده لشکر و سردار لطف‌الله یداللهی جانشین لشکر، یادمان شهدای هویزه، اردیبهشت ۱۳۹۵.

داشتیم که اینها رفتند و خبری نشد. بعد از نماز صبح اطلاع دادند که آمدند. ما رفتیم توی سنگر دیدیم آقا خلیل نمازش را خوانده و دارد استراحت می‌کند. بعد که صدایش زدم گفتم مرد حسابی مگر من به شما نگفتم ارتباط را با من قطع نکن. گفت من صدای شما را می‌شنیدم، ولی این دست من هر چقدر زور می‌زدم خشک شده بود و هر چه سعی می‌کردم نمی‌توانستم از سرمای هوا شاسی بی‌سیم را فشار بدهم تا جواب شما را بدهم. بچه‌ها این طوری مردانه کار کردند.»

نکات مهم درباره شناسایی و اطلاعات در عملیات کربلای ۴ و ۵

بعد از سخنرانی سردار اسدی و توضیحات ایشان درباره عملیات کربلای ۴ و ۵، مهندس کاظم حقیقت مسئول اطلاعات لشکر ۳۳ المهدی^(ع) نکاتی را درباره شناسایی و اطلاعات بیان کرد. ایشان در این زمینه

گفت: «دو نکته مهم درباره شناسایی و اطلاعات وجود دارد؛ یکی تنوع منطقه و دیگری مدیریت منطقه. بحث اول تنوع منطقه است. تنوع منطقه سبب می‌شود که روش‌های شناسایی نیز متفاوت شود. اول باید بفهمیم منطقه کربلای ۴ چه نوع منطقه‌ای است، تپه‌ماهور است یا دشت است یا هور. از جنوب دهانه فاو تا اشنویه، مناطق از تنوع زیادی برخوردارند که این مسئله روش‌های شناسایی را متفاوت می‌کند. زمین آبی یک نوع شناسایی، طراحی، دیدبانی و... لازم دارد و زمین خاکی، کوهستانی و دشت نیز اقتضای خود را می‌طلبد. در دهانه اروند غیر از موانع و مواضع دشمن، فاصله رودخانه هم متفاوت از سایر جاهاست. در تنوع منطقه باید اول بفهمیم که منطقه کربلای ۴ از کدام نوع منطقه است. در کربلای ۴ سروکار ما با آب است؛ پس باید برنامه‌ریزی را با توجه به این نکته انجام داد. در منطقه کربلای ۴

در کربلای ۴، آمادگی در سطح گردانی و ستادی و پشتیبانی بسیار بالا بود. ما ۲ تا گردان را در عملیات کربلای ۴ وارد عمل کردیم. حدود ۱۸۰ شهید و مفقود و اسیر در این عملیات دادیم. بخش عمده توانایی ما باقی مانده بود که توانستیم در کربلای ۵ از آنها استفاده کنیم. کربلای ۴ و ۵ باید با هم تحلیل شود. کربلای ۴ مقدمه موفقیت کربلای ۵ بود. ما آمادگی بسیار بالایی برای اجرای عملیات کربلای ۴ داشتیم. حالا دلایل ناموفقیتش بماند. امریکا و نوکرانش، آل سعود و دشمنان داخلی، همه اینها تأثیر داشتند. نوع جنگیدن ما در عملیات‌ها واقعاً عاشورایی بود.»

در تکمیل و تأیید سخنان سردار یداللهی، سردار داود ملکوتی نیز توضیحاتی را درباره چگونگی اجرای عملیات کربلای ۴ بیان کرد و گفت: «ما از تجربه‌هایی که از عبور از اروند و والفجر ۸ داشتیم، در عملیات کربلای ۴ استفاده کردیم. گردان ما پراستعدادترین گردان برای کربلای ۴ بود. حدود ۲ ماه آموزش برای نیروها در سد دز و کارون انجام می‌شد و آقای مطهرنیا بر این آموزش‌ها نظارت داشت. روی تخریب، سکان‌داری و حفاظت اطلاعات خیلی کار آموزشی شد. حین عملیات ما استعداد ۴ گروهان نیرو را وارد عمل کردیم و یک گروهان ۹۵ نفره غواص را به سمت دشمن‌ها بردیم. یک گروهان ۱۰۵ نفر را با قایق از یک نهر جرف وارد کردیم. یک گروهان دیگر هم می‌خواست وارد بشود که نشد. وقتی نیروها را از سیم‌خاردارها و خورشیدی‌ها عبور دادیم، علاوه بر تیرخوردن در همان اوایل عبور از خاکریز، در عمق هم تلفاتی داشتیم. ۲ تا از فرمانده گروهان‌های ما در همان لحظات اولیه شهید شدند. البته برای هر

مهندسی بود که بچه‌های مهندسی با کمک اطلاعات و عملیات اقدام به احداث خاکریز و سنگر می‌کردند. نتایج این مباحث شناسایی را در عملیات کربلای ۴ بگویم. در کربلای ۴، چهار محور داشتیم. در محور لشکر ۳۳ المهدی^(ع)، ۲ محور انتخاب شد. از این دو محور ۲ معبر انتخاب شد. [با انجام] دیدبانی، شناسایی مواضع نزدیک دشمن را انجام می‌دادیم. از سوی اطلاعات لشکر المهدی^(ع) تک‌تک سنگرها و مواضع دشمن شناسایی شد و موانع را عکس‌برداری کردیم. به‌صورت روزانه تحرکات و تغییرات دشمن را رصد می‌کردیم. جابه‌جایی‌ها و اضافه‌شدن‌های دشمن را زیر نظر داشتیم. یکی از نتایج عملیات کربلای ۴، نتایج انسانی و معنوی آن بود. یک موضوع که به نظر من سرمایه معنوی است.»

استفاده از تجربیات والفجر ۸ در عملیات کربلای ۴

بعد از توضیحات مهندس حقیقت، سردار لطف‌الله یداللهی جانشین لشکر ۳۳ المهدی^(ع)، در سخنانی درباره روند اجرای عملیات کربلای ۴ گفت: «ما در عملیات والفجر ۸ یک تجربه عبور از اروند داشتیم. خب بعد از هر عملیاتی، هم ما سعی می‌کردیم نقاط ضعفمان را بپوشانیم و هم دشمن سعی می‌کرد نقاط ضعفش را بپوشاند. وقتی به منطقه عملیات کربلای ۴ منتقل شدیم، با تجربه‌ای که از عملیات والفجر ۸ در بحث آموزش‌های غواصی داشتیم، روزهای متعددی در کارون آموزش شنا و غواصی داشتیم. اقداماتی که قبل از عملیات‌ها انجام می‌شود سهم بسزایی در پیروزی عملیات‌ها دارد که عمدتاً گفته نمی‌شود. جلسات زیادی در سطح قرارگاه‌ها انجام می‌شد.

